

همر و جنگ تروا

قریب بیست و هشت قرن است که دنیا از ایللیاد و ادیسه ستایش میکند و این دو کتاب را بمنزله گرانبها ترین و جاودان ترین آثار منظوم بشر میدانند که شاید تنها شاهنامه فردوسی با آنها برابری تواند کرد. متجاوز از بیست قرن این دو کتاب از لحاظ تاریخی و ادبی و رزمی تنها کتب قابل بحث در یونان و امپراتوری روم و بسیاری از کشورهای متمدنی قدیم بوده است و هنوز هم بسیاری از ناقدین و سخن سنجان و گوهر شناسان بازار ادب بر آنند که جواهری هم سنگ ایللیاد و ادیسه در ادبیات دنیا تا کنون خود نمائی نکرده است. بنابراین دریغ آمدم که خوانندگان روشن بین مجله ارتش مخصوصاً افسران و سربازان پرشور ما که با ادبیات رزمی علاقه خاص دارند لا اقل از موضوع این دو کتاب مخصوصاً از آن لحاظ که بتشخیص اهل فن تنها با شاهنامه فردوسی هم ارز شناخته شده اند بی اطلاع مانند و بنابراین بر آن شدم که بطور اجمال در چند شماره داستان جنگ (تروا) را از روی صحیح ترین اسناد و مدارک برای خوانندگان عزیز حکایت کنم و قبل از پرداختن بموضوع نخست بطور اختصار چند کلمه ای از (همر) که این دو کتاب در تاریخ بوی منسوب است بمیان می آورم و سپس به شرح داستان جنگ تروا که ایللیاد و ادیسه حکایت منظوم حوادث برجسته آنست می پردازم.

همر کیست؟

البته در تاریخ مؤلف ایللیاد و ادیسه بر حسب روایات (همر) شناخته شده است لکن درباره وجود چنین شاعری و محل تولد و سکونت و تاریخ درگذشت وی هیچ مدرک و سند درستی در دست نیست تا بحدی که مورخان بزرگی مانند (دیگو) و (ولف) وجود چنین مردی را جداً تکذیب کرده و بر آنند که ایللیاد و ادیسه عبارت از مجموعه ای از اشعار عامیانه نقلان یونان باستان است که در دوره پیسیسترات Pisistrate بدست شاعران و ادیبان معروف یونان جمع آوری شد و بصورت منظومه های جاودانی درآمد.

اما بنظر من بحث در این نکته که آیا (همر) وجود داشته یا نداشته است بکار مانمی آید بلکه موضوع اساسی آنست که ایلپاد و ادیسه وجود دارد و بزعم دانشمندان کلیه کشورهای جهان تادئیا باقی است بمنزله دو ستاره فروزان در آسمان ادبیات دنیا تابنده خواهند بود.

اما آنچه در کتب راجع به (همر) مسطور است آنست که تقریباً چهار قرن پس از محاصره (تروا) شاعر نابینا و کهن سالی وجود داشته است که از این شهر بآن شهر میرفته و داستان منظوم هنرنمایی های دلیران یونان را در جنگ تروا با آوازی دلکش میخوانده و در حین خواندن چنگ مینواخته است.

این شاعر نابینا که هم نام داشت از آغاز بینوا و کور نبود بلکه يك بار که بر حسب تصادف اشتباهاً در کشتی راهزنان دریائی سوار شد آن ستمگران تنها بغارت و نابینا کردن وی قناعت نکردند بلکه او را بحال زاری در يك کرانه دور افتاده افکندند لکن نابینای کهن سال که هوشی سرشار و اراده ای نیرومند داشت در مقابل این حادثه جانگداز تسلیم نشد و با همت بلند و تحمل مشکلات فراوان بتدریج خویشتر را به منطقه مسکونی رسانید و در آنجا با خوی خوش و سخنان دلنشین خویش دوستان فراوانی بدست آورد و بعوض آنکه وقت خود را صرف گریه و ندبه در باره ثروت و دیدگان از دست رفته خویش نماید بفرس آن اقتباد که وسیله ای برای ارتزاق پیدا کند و در عین حال وسائل سرگرمی دوستان را فراهم سازد و بهمین جهت شروع بنقل قصص و افسانه های گذشته برای دوستان خود نمود و از آنجائیکه در آن زمان کتاب و مدرسه و تماشاخانه وجود نداشت این داستانها بنظر مردم آن نقطه کم جمعیت بسی دلچسب و نغز آمد و هم چنان تشویق شد که بتدریج این افسانه ها را با شعاری در آورد که هنوز پس از بیست و هشت قرن دنیا از حلاوت آنها لذت میبرد و چون از این نقطه بآن نقطه میرفت پیرو جوان دوروی حلقه میزدند و لذت و سروری که بیرختی از مستمعین اشعار وی دست میداد چنان بود که شاعر کهن سال را چندان دنیال میکردند تا کلیه اشعار او را از حفظ نمایند و اتفاقاً حفظ کردن این اشعار نیز کار دشواری نبود زیرا با چنان قدرت طبع و توانائی اندیشه سروده شده بود که آموختن آن لذت زیاد و خواندنش لطف خاصی داشت و بهمین جهت جوانانیکه اشعار همرا فرا میگرفتند با حرص و ولع خاصی برای سایرین میخواندند و بدین طریق در کمترین مدتی صیت شهرت هم در یونان پیچید و آوازه معروفیت

وی بتدریج از مرزهای یونان تجاوز کرد تا بحدی که هر کجا زبان یونانی رواج داشت اشعار ایلیداد و ادیسه ورد زبانها گردید و سینه بسینه بنسلهای بعد انتقال یافت تا آنکه بشر توانست آنها را بحلیه طبع بیاراید و این گوهرهای گرانبها را که مایه فخر یونانیان است تا امروز نگاهدارد.

همر تا پایان زندگی روزگار را در فقر و نابینائی و مسکنت بسربرد و اگر چه با سرودن اشعار خویش مختصر پولی برای تأمین معاش بدست می آورد با اینهمه چنانکه باید یونانیان قدرش را نمی دانستند لیکن پس از مرگش پنجاه شهر افتخار بوجود آوردن چنین شاعر بلند پایه ای را ادعا کردند با اینهمه هیچکس نتوانست بتحقیق معلوم کند زادگاه این شاعر بزرگ کجاست ولی اغلب مورخان بر آنند که هم در جزیره (کیوس) بدنیا آمده است.

ایلیداد هم تماماً اختصاص به حوادث مهم جنگ تروا و هنر نمائیهای بزرگ دلیران و پهلوانان یونان باستان دارد و ادیسه عبارت از شرح بازگشت او ایس یکی از بزرگترین بازیگران جنگ تروا پس از پایان نبرد بخانه خود در (ایتاک) است که در حدود ده سال بطول انجامید و مشحون از حوادث بیشمار و مصائب فراوان بود و هم در نقاشی و توصیف مناظر طول راه و تحلیل و تجزیه قدرت روحی او ایس که با مهارت و تدبیر فراوان بر مشکلات فائق آمد و سرانجام خردیشتن را بهمسر عقیق و باوفای خود رسانید اعجاز کرده است. از شماره آینده بطور اجمال جنگ تروا را برای خوانندگان عزیز

حکایت خواهیم کرد. *رتال جامع علوم انسانی*

